

واکاوی مفاهیم «مباشر» و «سبب» و تحلیل آثار آن بر اساس مبانی قانون مجازات ایران (مصوب ۱۳۹۲)

فاطمه باقری^۱، طاهره سادات نعیمی^۲، علی رضا میلانی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی از دانشگاه آزاد واحد اسلامشهر.

^۲ استادیار گروه فقه و حقوق دانشکده علوم انسانی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد، اسلامشهر، ایران.

^۳ استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد، اسلامشهر، ایران.

نام نویسنده مسئول:

طاهره سادات نعیمی

چکیده

مباشر در عرصه حقوق جزا به عاملی که به صورت مستقیم موجب پدید آمدن جنایتی می گردد اطلاق می شود. به طوری که حاصل عملکرد جنایت بدون هیچ گونه تردیدی منتسب به او است. کسی است که بی واسطه و به طور مستقیم با اقدام خود، موجب حصول نتیجه مجرمانه شود بی تردید مباشر یا عملکرد مستقیم جرم است که در قوانین مجازات ایران (مصوب ۱۳۹۲) تحت عنوان مباشر یا فاعل جرم، نتیجه مجرمانه ای را به وجود می آورد. سبب امری است غیر مستقیم و با واسطه که منجر به جرم یا زیان می شود و مستقیماً منتهی به آن نمی گردد، به دیگر سخن از دیدگاه فقه، سبب امری است که زمینه تاثیر علت را فراهم می کند و مستقیماً و فی نفسه، موجب جنایت یا خسارت نمی شود. در واقع می توان گفت که سبب عاملی است که هر گاه به مانعی برخورد کند باعث وجود چیزی می شود. در حقوق مجازات ایران، بین مباشر و سبب ارتباط جدائی ناپذیر یا به بیانی دیگر ارتباط ساماننداری وجود دارد. زیرا در هر دو مورد، عامل موجب صدمه یا جنایت بر فرد مجنی علیه وجود دارد. رابطه علیت بین فعل مباشر و سبب، ترک فعل و تسبیب به طوری که کسی که ترک کننده فعلی است که موجب نجات جان فرد می شود و به سبب این ترک فعل، فرد مجنی علیه جان می دهد نیز نوعی سبب در عرصه حقوق جزا محسوب می شود. در مبانی قانون مجازات ایران، مراجعه به عرف متداول در تشخیص قوی تر بودن سبب نسبت به مباشر جرم یا بزه از اهمیت شایانی برخوردار است که بر اساس ملاکات معتبر در مبانی فقه امامیه و تدبیر در همه ابعاد جرم و اقسام آن شکل یافته است.

واژگان کلیدی: مباشر، سبب، تسبیب، جرم، جنایت.

مقدمه

یکی از مباحث مهم و تاثیر گذار در فقه و حقوق جزا، جنایات یا جرم ها و بزه کاری ها اعم از عمدی یا غیر عمدی است که موجبات اختلال در نظم جامعه بشری را فراهم می سازد. از جمله مباحث پر اهمیت در حیطه جرم و جنایت یا بزه کاری، مسئله وقوع موارد مذکور با دخالت مستقیم یا مباشر و پدید آمدن آن با دخالت غیر مستقیم و با یک یا چند واسطه است. لذا یکی از مفاهیم پر اهمیت در گستره فقه و حقوق، مفهوم سبب، تسبیب و مباشر است. به لحاظ حقوقی سبب به معنای عامل یا عملکردی که موجب وقوع اثر باشد به گونه ای که حصول نتیجه منتسب به اثر عملکرد او باشد، اطلاق می گردد. لذا می توان گفت، سبب به عامل یا مجموعه عواملی گفته می شود که به صورت غیر مستقیم در ایجاد و وقوع جنایت دخالت یا نقش داشته باشد و از عدم آن عدم وقوع جنایت لازم خواهد آمد ولی با وجود آن وجود جنایت حتمی و ضروری نخواهد بود اگرچه جنایت یا جرم یا بزه به نوعی منتسب به او می باشد.

با توجه به اینکه عوامل یا علل به وجود آورنده جرم یا اخلاص بر پیکره جامعه به لحاظ کمیت و کیفیت از اهمیت زیادی برخوردار است تحقیق پیرامون شناخت دقیق و عمیق عوامل بی واسطه و با واسطه پدید آمدن جرم و واضح نمودن میزان و محدوده مسئولیت هر یک در جرم ها از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا در صورت توجه به این موارد و ابعاد هر یک می توان به صدور احکام دقیق و عمیق اهتمام ورزید.

پژوهش حاضر با بهره گیری از منابع حقوقی و فقهی با این سوال اساسی و محوری مواجه است: «رابطه عنصر «مباشرت» و «تسبیب» در قانون مجازات ایران چگونه بوده و آثار آن در تعدد اسباب و مباشرین در چه مواردی بروز و نمود یافته است؟» جهت پاسخ به این سوال اصلی و اساسی ساختار پژوهش مذکور بر دو محور کلی بنا نهاده شده است. در محور اول به تحلیل مفهوم «مباشرت» و «تسبیب» در گستره لغت شناسی، فقه و حقوق پرداخته می شود. در محور دوم رابطه ساماندار «مباشرت» و «سبب» در ایجاد جرم و بزه مورد مذاقه قرار می گیرد. در این حیطه به کیفیت قرار گرفتن مباشرین و اسباب همچنین حالات هریک و تشخیص شدت و ضعف آنها بر اساس عرف مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

۱- تحلیل مفهوم «مباشرت» و «تسبیب»

در تحلیل مفهوم مباشرت و تسبیب، تعریف و تفکیک واژگان مباشرت و تسبیب ضروری است. مباشر در عرصه حقوق جزا به عاملی که به صورت مستقیم موجب بروز و نمود جنایتی می گردد اطلاق می شود. به طوری که در محدوده عرف، بدون هیچ گونه تردیدی نتیجه منتسب به او می باشد. چنین عاملی را مباشر در جنایت می نامند. به موجب ماده ی ۴۹۴ در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ منظور از آن آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود.^۱ در این ماده مباشرت را این گونه تعریف نموده است: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود».

نکته مهم در تعریف مباشر، تفکیک آن از تسبیب یا سبب با واژه " مستقیماً" است. منظور از ذکر واژه " مستقیماً" در تعریف مباشرت، جدا کردن مباشرت از تسبیب است که در آن شخص (سبب) به طور مستقیم مرتکب جنایت نمی شود. بنابراین، اگر عمل مرتکب علت تامه نتیجه مجرمانه و یا جزء اخیر علت تامه باشد چنین کسی را مباشر جرم گویند. مانند کسی که با کشیدن کارد به گلوی دیگری، موجب کشتن او میگردد.^۲ به طریق اولی، فقدان وسیله در ارتکاب رفتار نسبت به مجنی علیه، مباشرت محض محسوب و مصداق اخص آن خواهد بود، مانند آن که مرتکب با استفاده از دست یا پا، آسیب هایی بر منجی علیه وارد آورد و منتهی به جنایت بر او گردد.^۳ لذا می توان گفت «مباشرت منحصر به مداخله انفرادی در ارتکاب جنایت نیست و شرکت در ارتکاب جنایت به صورت مباشرت اعم از محض یا عرفی نیز متصور است. با این ترتیب چنانچه (الف) با اتومبیل خود، برخورد شدیدی با اتومبیل (ب) نماید و منتهی به سقوط و آتش سوزی و مرگ (ب) شود، (الف) را باید مباشر عرفی قتل (ب) دانست».^۴

در گستره فقه نیز مفهوم مباشرت به انتساب اثر به عملکرد مستقیم فرد به صورت بدون تاویل اطلاق می گردد. به طوری که «اگر وسیله ای باشد مانند تیر زدن به او یا ذبح کردن او یا چاقو یا قتل، بدون تأویل منسوب به او باشد مانند انداختن او در آتش یا غرق نمودن او در دریا یا انداختن او از بلندی و غیر اینها از وسایلی که با آن صدق می کند منسوب به او باشد، عرفاً مباشر است».^۵

۱. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اشخاص، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۶ ص ۴۷

۲. گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲۴

۳. آقایی نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۶، ص ۶۳.

۴. علیه اشخاص، دکتر حسین آقایی نیا، چاپ دوازدهم، انتشارات میزان، ص ۶۴ س ۱۳۹۶

۵. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۶۱

در نتیجه مباشر جرم، کسی است که بی واسطه و به طور مستقیم با اقدام خود، موجب حصول نتیجه مجرمانه شود، مثل اینکه با دست خود، دیگری را بکشد و نیز کسی است که با واسطه ای به ارتکاب جرم دست زده که از نظر عرف، از آنجا که مشخص و آشکار نیست واسطه محسوب نمی شود و جرم به خود او مستقیماً نسبت داده می شود، مانند کسی که با کارد و شمشیر و یا تفنگ، که واسطه ی قتل و ابزار آن است، کسی را بکشد.

در قوانین مجازات ایران عنوان مباشر یا فاعل جرم به کسی اطلاق می شود که به طور مستقیم عملی را انجام داده یا ترک می کند و نتیجه مجرمانه ای را به وجود می آورد مانند کسی که با دست های خود گلولی دیگری را گرفته و چندان فشار دهد تا خفه شود. قانون مجازات اسلامی در ماده ۴۹۴ این مفهوم را مورد تأکید قرار داده است و به موجب آن مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود. طبق ماده ی ۴۱۹ قانون مجازات اسلامی مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد بنابراین در مواردی که جانی خود به طور مستقیم و بی واسطه مرتکب جنایت بر نفس یا عضو شود می توان گفت جرم را به مباشرت مرتکب شده است. مثل این است که کسی با دست های خود شخصی دیگری را خفه کند یا حتی با چوبدستی یا تفنگ دیگری را بکشد یا شخص مبادرت به ایجاد حریق نماید یا مال دیگری را به طور پنهانی از مرز برباید. در تمامی موارد مزبور چوبدستی، تفنگ، مواد محترقه و وسایل مورد استفاده در سرقت عرفاً مانع از احراز ارتکاب مستقیم و بی واسطه جرم نیست.^۱

شخص مجرم ممکن است عمل ارتكابی را شخصاً انجام دهد که در این صورت مباشر مجرم نامیده می شود. مانند کسی که با دست گلولی دیگری را فشار داده و او را خفه کند یا کسی که صندوق پول یا جواهر را باز نموده و محتویات آن را برباید. در حقوق با توجه به مبتنی بودن قوانین و مقررات بر موازین فقهی از ابتدای قانون گذاری به تبع فقه اصطلاحات سبب و مباشر در مجموعه قوانین دیده می شود، در مواد ۲۸ و ۱۷۲ از سبب و مباشر نام برده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بحث از تسبیب در کتاب دیات مطرح شده است، ابتدا در ماده ۳۱۷ و ۳۱۸ از باب موجبات ضمان، به تعریف این دو اصطلاح پرداخته و در مواد بعدی و باب ششم به ذکر احکام آن پرداخته است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مباشرت و تسبیب تقریباً بدون تغییر آورده شده است.^۲ ارتکاب جرم چنانچه بوسیله انجام عملیات مادی توسط مرتکب آن به اتمام برسد و یا به دیگر سخن کسی که به تنهایی و به طور مستقیم عملیات مادی جرم را به انجام می رساند، (مباشر جرم) نامیده می شود.^۳ مانند اینکه شخص با دست های خود گلولی دیگری را فشار دهد و او را به قتل برساند و یا اینکه کسی به تنهایی مبادرت به ربودن مال منقول متعلق به دیگری بکند. ضمناً چنانچه مرتکب جرم را با استفاده از وسایلی مانند تفنگ، سلاح کمری، چوب دستی و نظایر آن به انجام برساند، وسایل مورد نظر عرفاً واسطه محسوب می شود و جرم به مباشرت خواهد بود.^۴ پس طبق تعاریف مذکور، مباشر جرم همان فاعل مستقل جرم است و مباشرت در جرم نیز به معنی ارتکاب جرم است بدین لحاظ در متون جزایی و کتب و آثار صاحب نظران عنوان های مباشر و فاعل مستقل و مرتکب جرم، غالباً به یک مفهوم و به جای یکدیگر استعمال می شوند.

در واقع، ساده ترین نوع ارتکاب جرم، مباشرت مستقیم و بلاواسطه در ارتکاب آن است. شخصی در صدد قتل دیگری بر می آید و به همین منظور هم اسلحه تهیه می نماید و با شلیک گلوله به حیات دیگری خاتمه می دهد چنین قاتلی مباشر مستقیم قتل نامیده می شود. به عبارت دیگر مباشر مستقیم جرم کسی است که شخصاً و بلاواسطه عنصر مادی جرم را انجام داده و موجب حصول نتیجه مجرمانه شده باشد. در جرائم ترک فعل نیز مباشر مستقیم جرم کسی است که شخصاً موظف به اجرای وظیفه خاصی بوده و از انجام آن وظیفه خودداری نموده باشد.^۵

در کلیه ی این موارد، چون مرتکب شخصاً عملیات اجرائی و عنصرهای جرم را انجام داده، لذا تمامی بار مسئولیت کیفری متوجه اوست. به همین علت هم اکثر مواد قوانین کیفری با کلمه " هر کس " شروع شده است، تا بدین وسیله بار مسئولیت را متوجه مباشر مستقیم جرم نماید. چنانچه کسی تصمیم به ارتکاب جرمی بگیرد و جرمی را مرتکب شود. مباشر جرم نامیده می شود. پس مباشر جرم کسی است که خود به تنهایی جرمی را مرتکب شده است.^۶

^۱ نشر حقوقی عدلیه، پایگاه تخصصی حقوق و فقه.

^۲ نشر حقوقی عدلیه؛ پایگاه تخصصی فقه و حقوق.

^۳ فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی، اسلامی ج ۱، ص ۲۷.

^۴ صادقی، محمد هادی، حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

^۵ گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، جلد ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

^۶ عبدی، علی، مقاله مباشرت، مشارکت و معاونت در جرم، ص ۶.

واژه سبب در گستره لغت، به معنای باعث، انگیزه، آنچه رویداد و یا پدیده ای را پدید آورد، رسن و افزار نیز تعریف شده است. چنانکه در لغت نامه دهخدا برای ارائه تعریفی از سبب مقادیر مختلفی به کار گرفته شده است. معنای اول که برای این لفظ آمده عبارت است از: «رسن و هر چه به آن و دیگر پیوسته شود»^۱.

همچنین در لغت، سبب هر چیزی که دسترسی به مقصود را فراهم آورد اطلاق می گردد و از این رو است که به اشیائی چون ریسمان، راه و ابزار کار نیز سبب گفته می شود. سبب ابتدا به ریسمانی اطلاق می شد که توسط آن انسان ها به آب دست می یافتند و به دلیل اهمیتی که آب در حیات انسانها داشت، سبب (ریسمان) نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار بود.^۲

در اصطلاح فقهی، سبب، به گونه ای متفاوت با علت یا ملازم با علت، تعریف شده است. لذا سبب به معنای «چیزی است که اگر وجود نداشته باشد تلف حاصل نخواهد شد، اما علت تلف چیز دیگری است»^۳ همچنین بعضی از فقها در تعریف سبب گفته اند: "سبب چیزی است که اگر نبود علت موجب اثر نمی شد" و در امور بسیاری وجود دارد که اگر وجود نمی داشت حادثه بوجود نمی آمد ولی در عین حال عرف چنین عواملی را سبب حادثه نمی داند. در حیطه ی قواعد فقه نیز سبب به معنای چیزی است که از عدم آن عدم شیء و از وجود آن وجود شیء لازم آید. مثلاً آتش سبب سوختن است، یا بیع سبب مالکیت است، یا قرابت سبب ارث بردن است.^۴

با توجه به تعاریف منطقی که فقها در کتب متعدد از سبب نموده اند می توان اینطور نتیجه گیری کرد که سبب امری است غیر مستقیم و با واسطه که منجر به جرم یا زیان می شود و مستقیماً منتهی به آن نمی گردد، به دیگر سخن از دیدگاه فقه، سبب امری است که زمینه تاثیر علت را فراهم می کند و مستقیماً و فی نفسه، موجب جنایت یا خسارت نمی شود. در واقع می توان گفت که سبب عاملی است که هر گاه به مانعی برخورد کند باعث وجود چیزی می شود.

از مجموع نظر فقهاء، بهترین تعریفی که می توان از سبب ارائه داد این است که سبب، نوعی عامل موثر است که علت منوط به وجود او می باشد و بدون وجود او علت نمی تواند اثر داشته باشد و اگر باشد ولی علت نباشد این هم فایده ندارد و نهایتاً این که از وجود سبب وجود معلول لازم نمی آید ولی از عدمش عدم معلول لازم می آید.^۵

۲- رابطه ساماندار «مباشر» و «سبب» در ایجاد جرم و بزه

در حقیقت، بین مباشر و سبب ارتباط جدائی ناپذیر یا به بیانی دیگر ارتباط ساماندار وجود دارد. زیرا در هر دو مورد، عامل موجب صدمه یا جنایت بر فرد مجنی علیه وجود دارد. با این وجود در عین اینکه بین مباشر و سبب ارتباط ویژه ای مشهود است، تعدد اسباب در این زمینه نقش مهمی را ایفا می کند. از این رو است که احراز کیفیت رابطه سببیت بین عملکردی که موجب زیان شده و نتیجه ای که از آن برگرفته شده است در فرض هایی همچون تعدد اسباب و عوامل یا مخلوط شدن مباشر و سبب بروز و نمود می یابد. در نتیجه از دشوارترین مباحث حقوق کیفری خواهد بود.

به این معنا که هرگاه افراد متعددی در زمان های متفاوت (طولی) در وقوع جنایت مداخله می کنند و بین رفتار مداخله کنندگان و نتیجه حاصله (مانند قتل یا بزه کاری) فاصله زمانی نسبتاً طولانی وجود دارد، گاهی به عنوان مشکل جدی و معضل لا ینحل ظاهر می شود. قانون مجازات اسلامی ۹۲ به جای ارائه یک ضابطه روشن و قاطع در این زمینه، بیشتر کوشیده با در نظر گرفتن حالت ها و برخی شرایط خاص راهکار هایی ارائه کند. در تبیین رابطه ساماندار بین مباشر و سبب در ایجاد جرم یا بزه نکات ذیل قابل تامل است:

۱) تأمل در احراز رابطه علیت بین فعل مباشر یا سبب و نتیجه مجرمانه

موضوع مهم در مورد جرایم منوط به نتیجه مانند قتل مسئله احراز رابطه علیت بین فعل مرتکب و نتیجه مجرمانه می باشد. نکته اساسی این است که معین گردد نتیجه حاصله بوسیله متهم ایجاد شده است یا خیر؟ اهمیت احراز این رابطه وقتی بیشتر آشکار می گردد که در حصول نتیجه مجرمانه علت های متعددی دخالت داشته باشد و وظیفه قاضی تعیین علتی باشد که از میان علل گوناگون نتیجه مجرمانه را به وی منتسب نماید. اثبات رابطه علیت در جرم قتل به دلیل بار سنگین مسئولیت ناشی از آن اهمیت بیشتری برخوردار است. در این جرم از میان علل مختلفی که منجر به نتیجه گردیده اند هر گاه علتی یافتیم که لازمه آن قتل باشد یعنی بدون وجود آن قتل حادث نشود و با وجود آن قتل لزوماً بوجود آید، مناسب، کافی قرار گیرد خواه عنوان سبب بر آن اطلاق گردد یا مباشر. آنچه اهمیت دارد شناخت علتی

۱. دهخدا، فرهنگ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸، ص ۱۱۷۹۸.

۲. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۸۱۵ و عمید، فرهنگ لغت عمید، ج ۲، ص ۱۳۷۶.

۳. محقق حلی شرایع الاسلام، ج ۴ ص ۱۰۲۴.

۴. محقق داماد، قواعد فقه، ج ۱، ۱۱-۱۳.

۵. غلامی، حسین، غلامرضا چه آبی و شهبازی، محمد حسین، مفهوم سبب و شرایط آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۸، زمستان ۹۵، ص ۵۲.

است که به نتیجه مناسبتر، منطقی تر و عادلانه تری در قتل منتهی گردد. طرح بحث سببیت به خاطر کشف رابطه سببیت میان جنایت و جانی می باشد. تسبیب بیانگر رابطه ی مذکور است، غالباً در کتب حقوقی از تسبیب با عنوان علیت یاد می شود. اسباب متعدد گاه در عرض یکدیگر قرار می گیرند که به آن اشتراک در تسبیب گفته می شود و گاه در طول یکدیگر قرار می گیرند که به این حالت اجتماع اسباب گفته می شود اجتماع در اسباب مربوط به زمانی است که دو سبب به صورت تقدّم و با تاخیر زمانی موجبات وقوع جنایت را فراهم آورند. که در این حالت مشهور فقهای امامیه و نیز قانونگذار حکم به ضمان سبب مقدّم در تاثیر می دهند بی شک برای تعیین علت واقعی قتل قاضی بایستی به اوضاع و احوال و سایر قرائن و امارات توجّه نماید تا میان رفتار مجرمانه (علّت) و نتیجه (معلول) ملازمه عرفی وجود داشته باشد تا عرف بدون هیچ گونه مسامحه ای قتل را به وی نسبت دهد. خلاصه اینکه قاعده مند نمودن رابطه علیت غیرممکن است هر چند به آن تظاهر شود.^۱

۲) توجّه به رابطه بین ترک فعل و تسبیب

تسبیب و قتل دو موضوع بسیار مهم و تعیین کننده هر نظام کیفری است و تشابه بسیاری از مبانی آنها در کشورهای مختلف، انگیزه مناسبی برای اطلاع و پیشرفت های سایر ملل است. جنایت علیه نفس از جرایم مفید به نتیجه بوده علاوه بر فعل ارتكابی حدوث نتیجه غیرقانونی نیز شرط تحقق آن محسوب می گردد. وقوع جنایت هر چند پس از ارتكاب فعل به تنهایی در احراز مسئولیت اجرایی مرتکب کافی نیست بلکه یکی از اجزا لازم در تحقق رکن مادی جنایات اثبات اسناد نتیجه زیان بار به فعل انجام شده و عامل آن است. نظر به اینکه جرایم در دو قطب مستقیم، غیر مستقیم و نیز به صورت اجتماع دو یا چند عامل قابل ارتكاب است، لذا آنچه در این زمینه حائز اهمیت است شناخت عامل یا عوامل ارتكاب جرم و تعیین مسئولیت آنان و همچنین رویه قضایی ایران است که عدم توجه عمیق به این موضوع موجب گردیده است که در برخی موارد دانش پژوهان، وکلا و از همه مهم تر قضات نیز در احراز رابطه سببیت و انتساب جرم به سبب یا مباشر با مشکل مواجه شوند چرا که مقتن رویه واحدی را اتخاذ نکرده است و این امر موجب ارائه نظر است. و راه حل های متعدّد و مختلفی از جانب علما و صاحب نظران حقوق گردیده است. نهایتاً فقدان یک رویه قضایی مشخص و وجود نظرات مختلف در خصوص مسئول قلمداد کردن عامل یا عاملین مسئول، باعث بروز ابهامات گردیده است که بعضاً تشنّت آراء فقها نیز به آنها دامن زده است.^۲

در این حیطه، کسی که ترک کننده فعلی است که موجب نجات جان فرد می شود و به سبب این ترک فعل، فرد مجنی علیه جان می دهد نیز نوعی سبب در عرصه حقوق جزا محسوب می شود. اما «در صورتی می توان تارک فعل را به دلیل مرگ یا صدمه جسمانی که به دیگری وارد شده است مسئول دانست که این نتیجه از ترک فعل وی ناشی شده باشد. بنابراین در صورت وجود یک عامل مستقل دیگر که مرگ قابل استناد به آن باشد، تارک فعل را نمی توان مسئول نتیجه حاصله دانست»^۳

به عنوان مثال اگر مادری به قصد اینکه از شرّ کودک تازه تولّد یافته اش رها شود به گریه های او ترتیب اثر نداده و موجب مرگ او در نتیجه گرسنگی و تشنگی می شود، همه با توجه به وابستگی شدید نوزاد به مادر، به درستی خواهند گفت "مادر بچه اش را کشت" و هیچ کس نمی گوید بچه را گرسنگی کشته است و نه شیر ندادن به او. زیرا گرسنگی نیز عاملی جدا از شیر دادن نبوده است. ولی در جایی که کسی به رغم وظیفه داشتن به موجب قانون خاص مصوّب سال ۱۳۵۴ با بی اعتنائی از کنار مصدومی که راننده ی دیگری با او برخورد کرده است و گریخته است می گذرد و مصدوم می میرد، هیچ کس مرگ را به این فرد نسبت نمی دهد، بلکه همه مرگ را به راننده فراری نسبت می دهند، که عمل او مقتضی مرگ بوده است. به همین دلیل شرط لزوم وجود رابطه سببیت، غذا ندادن مادر به نوزاد شیرخواره که در واقع نوعی گرسنگی دادن محسوب می شود. بنابراین به موجب مسئول شناخته شدن مادر در قبال مرگ نوزاد خواهند بود. بدین ترتیب، در بحث از رابطه سببیت در حقوق جزا باید کاملاً اسیر مباحث فلسفی درمورد علیت شد. توضیح آن که کسانی که با این موضوع سببیت در حقوق جزا می نگرند ترک فعل را ضمان آور نمی دانند. زیرا معتقدند که هیچ گاه "بود از نبود" و "وجود از عدم" حاصل نمی آید. در عالم حقوق باید به سببیت قانونی که در بسیاری از موارد مبتنی بر قضاوت عرف درمورد قابل سرزنش بودن مرتکب می باشد توجه کرد. همچنین، در جنایت به تسبیب، احراز نوعی تقصیر ضرورتی انکار ناپذیر است و بدون آن هیچگونه مسئولیتی متوجه فرد نخواهد بود.^۴

از این رو ماده ی ۵۱۶ در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بیان می کند: «هر گاه کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن ملک خود که قرار دادن اشیاء در آن جایز است قرار دهد و در اثر حوادث پیش بینی نشده به معبر عام و یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود ضمان منتفی است، مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که نوعاً مستعد صدمه یا خسارت باشد.»

۱. شعبانی کندسری، هادی، پایان نامه «احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی» (با تاکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۲. همان منبع.

۳. میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، ص ۴۲.

۴. میر محمد صادقی، جرائم علیه اشخاص، ص ۴۲ و ۴۹.

۳) وجود رابطه مورد پذیرش عرف حقوقی در اجتماع مباشرین و اسباب مسئول در جرم یا بزه

برای احراز مسئولیت، انجام دادن رفتار مجرمانه یا زیان بار کافی نیست، بلکه لازم است بین نتیجه موجود و رفتار مرتکب، رابطه مورد قبول از نظر معیارهای حقوقی وجود داشته باشد. بنابراین اگر یک عامل به صورت انفرادی باعث ایجاد جنایت شود، تشخیص چنین رابطه ای آسان بوده و به راحتی می توان تشخیص داد که بین رفتار مرتکب جنایت حاصله رابطه سببیت وجود دارد یا خیر. اما ممکن است عوامل متعدّد باعث ایجاد جنایت شوند که این عوامل متعدّد گاه در عرض هم هستند و گاهی در طول هم و گاهی این اجتماع به صورت اجتماع اسباب متعدّد می باشد و گاه به صورت اجتماع مباشرین متعدّد و گاهی نیز به صورت اجتماع سبب و مباشر است. به طوری که در این موارد تشخیص رابطه سببیت مشکل بوده و موجب طرح نظریات مختلفی از سوی فقها و حقوق دانان و همچنین صدور آراء و احکام متعدّد از سوی دادگاه ها در مورد ملاک تعیین سبب یا اسباب مسئول شده است.^۱

اجتماع سبب و مباشر، مثل اینکه چاهی را بکند و دیگری شخص ثالثی را به درون آن بیفکند و یا فردی دیگری را درون آب بیندازد و شخص ثالثی سر او را زیر آب نگه دارد تا فوت کند؛ کدام یک را باید مسئول نتیجه حاصله اعم از مرگ یا صدمه ی جسمانی دانست؟^۲ به موجب ماده ی مذکور، در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است، مگر این که سبب اقوی از مباشر باشد. همین حکم در مورد اتلاف حال در ماده ی ۳۳۲ قانون مدنی پذیرفته شده است. زیرا مطابق ماده ۲۳۲ قانون مدنی: هرگاه یک نفر سبب تلف مالی ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف، مستند به او باشد. چنین حکمی مطابق با دیدگاه مشهور فقهای امامیه است.^۳

۴) مراجعه به عرف متداول در تشخیص قوی تر بودن سبب نسبت به مباشر جرم یا بزه

توجه به این مطلب نیز ضروری است که قانون مجازات ایران معیار خاصی را برای تشخیص اقوی بودن سبب از مباشر ارائه نکرده است. با این وجود با مراجعه به منطوق ماده ۳۲۲ قانون مدنی و متون فقهی^۴ به نظر می رسد که اقوی بودن سبب نسبت به مباشر بر اساس عرف تعیین می گردد. عرف در این رابطه به عواملی همچون: اقدام مباشر، صغیر بودن یا جنون او، فریب یا جهل قربانی توجه می نماید. به عنوان مثال در رابطه با تزریق داروی سمّی یا نامناسب از سوی پرستار به بیمار در اثر تجویز پزشک، عرف، پزشک را مقصر اصلی معرفی می نماید زیرا از پزشک انتظار تجویز داروی مناسب را دارد و از پرستار، اجرای دستور پزشک را بدون تحقیق در مورد درستی یا نادرستی آن انتظار دارد.^۵ مصادیق قانونی قوی تر بودن سبب نسبت به مباشر بر اساس عرف در مواردی از قانون مجازات اسلامی مشخص شده است.^۶

۵) تبیین سه ملاک متنوع در اجتماع مباشر و سبب در منطوق قانون مجازات

قانونگذار در بندهایی از قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در قالب بیان چندین سبب متوالی در طول یکدیگر که در حقیقت، به نوعی اجتماع سبب و مباشر است و در آن نقش مباشر ضعیف تر از نقش و تاثیر اسباب است، سه ملاک کلی زمان حدوث اسباب، زمان تاثیر اسباب و مقصد اسباب را مورد توجه قرار داده است. بر اساس توجه به این سه ملاک مذکور، طبق مواد ۵۲۵ و ۵۲۶ قانون مجازات، چهار حالت مورد پیش بینی قرار می گیرد:

- ۱- هر گاه همه اسباب طولی عامد باشند، طبق قسمت دوم ماده ۵۳۵ ف شرکت در جرم محقق می شود. به عبارت دیگر، حکم این مورد مثل اجتماع عرضی اسباب است. قانونگذار در اینجا مقصد را که مربوط به عنصر روانی است در احراز رابطه استناد(که مربوط به عنصر مادی است) موثر دانسته است. در واقع می توان گفت که مقتن در این حالت مجموعه اعمال را یک طرح مشترک دانسته است، که هر یک از افراد دخیل، با تبانی دیگران، اجرای بخشی از این طرح را به عهده گرفته، و در نتیجه، مسئولیت مشترک برای آنها ایجاد شده است
- ۲- هر گاه اسباب متعدّد عامد باشند، طبق قسمت اول ماده ۵۳۵، سبب مقدم در تاثیر مسئول خواهد بود، حتی اگر مؤخر در حدوث باشد.

- ۳- در صورت اجتماع اسباب مجاز و غیر مجاز، به موجب ماده ۵۳۶ عامل غیر مجاز مسئول خواهد بود. در این قسمت، قانونگذار قید «غیر مجاز» را جانشین قید «عدوانی» مذکور ماده ۳۶۴ در قانون مجازات اسلامی سابق، مصوب سال ۱۳۷۰ نموده و در واقع آن دو را مترادف محسوب کرده است. البته باید دانست که این دو قید لزوماً و در همه حالات مترادف نیستند. زیرا ممکن است عملی غیر مجاز باشد، ولی چون به طور بالقوه صدمه زا نیست عدوانی محسوب نشود(مثل حفر چاه در ملک خود بدون اخذ مجوز یا در ملک دیگری بدون اذن وی

^۱ مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و پنجم، شماره نود و یکم، پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۴۱

^۲ میر محمد صادقی، همان منبع، ص ۵۲

^۳ خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج(ترجمه علیرضا سعیدی)، ج ۲، ص ۲۵۴.

^۴ موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶، مسئله ۱.

^۵ میرمحمد صادقی، جرایم علیه اشخاص، ص ۵۴ و ۵۵

^۶ ماده ۱۶۳، ماده ۴۹۶، ماده ۴۹۹، ماده ۴۸۶ و ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی

ولی با نصب علایم هشدار دهنده). یا این که مجاز و در عین حال عدوانی باشد (مثل حفر چاه در ملک خود با اخذ مجوز ولی بدون نصب علایم هشدار دهنده).

۴- در صورت عامد بودن سبب مؤخر در حدوث، مسئولیت، طبق قسمت دوم ماده ۵۳۶، به او نسبت داده می شود. مانند اینکه پس از حفر چاه توسط کسی، شخص دیگری، به قصد افتادن شخص ثالث در آن، در جلو چاه سنگی را قرار دهد. در این قسمت نیز قصد در احراز رابطه استناد، موثر است.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب مذکور، یافته های زیر مشهود است:

- ۱- بحث سبب و مباشر یکی از مهمترین بحث های مطرح شده در متون فقهی و حقوقی است و دیدگاههای متفاوتی در این زمینه ارائه شده است.
- ۲- در گستره قوانین مجازات ایران، مباشر به معنای آسیب زننده مستقیم و سبب به معنای عاملی که به طور مستقیم موجب صدمه نمی شود بلکه با یک یا چند واسطه عامل ایجاد صدمه به شخص یا شیء می گردد اطلاق شده است. هر یک از این دو در مصادیق مختلف، آثار متفاوت و متنوعی را بر جای می گذارند.
- ۳- اگر مباشر یا سبب هر کدام به تنهایی موجب ایجاد جرم یا جنایت شوند، ضمانت آنها نیز به صورت تمام خواهد بود. با این وجود، در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است ولی قوی تر بودن مباشر مانع از ضمانت سبب نخواهد بود زیرا در هر حالت سبب به عنوان یکی از عوامل پدید آمدن جرم یا جنایت دخالت داشته است.
- ۴- دقت در کیفیت رابطه بین مباشر و سبب بیانگر این مطلب است که برای مسئولیت آور بودن، صرف انجام عملکرد و تحقق نتیجه حاصله کافی نیست بلکه باید بین این نتیجه حاصله و عملکرد انجام شده توسط مباشر و سبب، رابطه سببیت و علیت وجود داشته باشد.
- ۵- بر اساس آنچه که در فقه تعریف شده، سبب به معنای چیزی که هرگاه مانعی در کار نباشد باعث به وجود آمدن چیزی گردد چنانچه آتش، سبب سوختن شود در صورتی که مانعی وجود نداشته باشد، لذا بسیاری از اسباب در ضمن طولی یا عرضی بودن خود، نقش مهمی را افزون بر مباشرین در پدید آمدن جنایات ایفا می کنند.

منابع و مراجع

- [۱] آقای نی، ح، جرایم علیه اشخاص، دکتر حسین آقای نی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۶.
- [۲] جعفری لنگرودی، م ج، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۷.
- [۳] حکیمی نژاد، ا، همکاری در قتل عمدی، فصلنامه پیام آموزش، شماره ۱۴، اسفند ۱۳۹۳.
- [۴] دهخدا، ع ا، لغتنامه فارسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- [۵] شامبیانی، ه، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ سوم، سال ۱۳۹۶.
- [۶] شعبانی کندسری، ه، پایان نامه «احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی (با تاکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)» تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- [۷] طاهری نسب، س ی، رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۸.
- [۸] عمید، ح، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- [۹] غلامی، ح و چه آبی، غ و شهبازی، م ح، مفهوم سبب و شرایط آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۸، زمستان ۱۳۹۵.
- [۱۰] گرجی، ا ب، حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، نشریه موسسه حقوق تطبیقی، شماره ششم، ۱۳۵۸.
- [۱۱] گلدوزیان، ا، بایسته های حقوق جزای اختصاصی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۶.
- [۱۲] مرادی، ح و شهبازی، ع، عنصر معنوی قتل عمدی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری،
- [۱۳] مرادیان، م، عنصر قانونی جرم، قم، پژوهشکده باقر العلوم، بی تا.
- [۱۴] معین، م، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- [۱۵] میرمحمد صادقی، ح، جرائم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۶.